

تحلیل ویژگی‌های ادبیات پایداری در سروده‌های محمدرضا

عبدالملکیان

محبوبه یوسفیان^۱

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم، قم، ایران

چکیده

واکنش طبیعی و ذاتی انسان در برابر نیروهایی است که او را به چالش می‌کشند و موقعیت، منافع و ارزش‌های او را به خطر می‌اندازند. هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های ادبیات پایداری در شعر محمدرضا عبدالملکیان است. هم‌چنین دلایل توجّه به این ویژگی‌ها بیان می‌شود. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی تحلیلی است. مهم‌ترین ویژگی‌های ادبیات پایداری عبارتند از: به دعوت مبارزه و جهاد، ستایش آزادی و آزادی، عشق به میهن و القای امید به آینده و پیروزی موعود و... برخی از ویژگی‌های مقاومت و پایداری را در برخی از اشعار محمدرضا عبدالملکیان می‌توان دید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در شعر محمدرضا عبدالملکیان ویژگی‌های ادبیات پایداری از قبیل نوید فتح و نشان دادن افق روشن پیروزی، تلفیق روح حماسی و اسطوره‌ای با مضامین پایداری، ستایش شهادت و شهیدان، انعکاس باورهای دینی و مذهبی و بزرگ داشت فرهنگ عاشورا، عشق به میهن، دعوت به بیداری و غفلت ستیزی، القای امید به آینده و پیروزی موعود، ستایش آزادی و آزادی و دعوت به جهاد و مبارزه علیه ظلم و استبداد است.

کلید واژه‌ها: ادبیات پایداری، حماسه، محمدرضا عبدالملکیان.

¹ Email: Mahboubeh.yousefian@yahoo.com.

مقدمه

ادبیات دفاع مقدس، ادبیات معناراست و به همین جهت پیام و محتوا در آن اهمیت به‌سزایی دارد و مفاهیمی نظیر ستم ستیزی، آزادی خواهی، وطن دوستی، تکریم انقلابیون و تطبیق تاریخ از ویژگی‌های معنایی این ادبیات به شمار می‌رود. اصولاً حادثه انقلاب اسلامی که تحولات گوناگونی در زندگی مردم ایران پدید آورد، آگاهی سیاسی آنان را نیز بالا برد و ملت ایران را در جهان به‌عنوان ملتی سیاسی، با بصیرت و آگاهی به زمان معرفی کرد. این آموزه انقلاب اسلامی نیز مانند سایر تعلیمات آن در ادبیات و فرامودهای آن متجلی گشت. ادبیات مقاومت در شعر محمدرضا عبدالملکیان به‌ویژه شعر پایداری گونه‌ای از ادبیات است که بازگوکننده مقاومت و ستیز ملت‌ها در برابر تجاوز بیگانگان به حقوق و حیثیت شان است. به لحاظ اندیشه و هنر ادبیاتی است برخاسته از میراث فرهنگی پیشین، فرهنگ معاصر و اسلام ناب: ادبیات مقاومت ایده آل با اندیشه و هنر گذشته، حال و اسلام گره خورده است؛ پس بعد هنری یعنی، واژه‌گزینی، تصویر پردازی و ترکیب سازی آن بسان اندیشه‌اش، که با روح و زبان درهم آمیخته است در حالی که از واژه‌ها، ترکیب‌ها و تصویرهای سبک قرآنی و ادبیات نهج البلاغه و آثار اهل بیت به خوبی بهره جسته است.

آنچه ادبیات مقاومت از آن حکایت می‌کند عبارت از: خدای واقعی یا انسان‌های خداگونه‌ای که رحمت و قهاریت و عشق و حماسه را در یک جا واجد است. به موجب همین، عزت، توانمندی، سازش ناپذیری و سلحشوری توأم با عشق و محبت از اصول مهم ادبیات و هنر مقاومت است. شاعران و نویسندگان ادبیات پایداری، تحت تأثیر درد مشترک، تلاش می‌کنند تا مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری را در آثار خود منعکس کنند و به این طریق مردم را در راه مبارزه با اهداف عالی زندگی خود تشویق کنند. شاعران پایداری کشور اسلامی. ایران، ضمن همدردی با سایر مردم ستمدیده، به مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری با تکیه بر مبانی اسلامی، اعتقادی می‌پردازند و مردم را نسبت به استکبار جهانی بیدار کرده و به جهاد در راه خدا، ترویج فرهنگ ایثار و روحیه شهادت طلبی، تشویق و ترغیب می‌کنند. شاعران انقلاب اسلامی به تأثیر از جنگ تحمیلی و تحت فرمان‌های اسلامی و منش ایرانی به مضامین پایداری روی آورده‌اند و تلاش کرده‌اند با یاد شهدای عاشورا و حفظ فرهنگ عاشورا، یاد و خاطره شهادت دفاع مقدس را زنده نگه دارند و به‌نوعی به

مقابله با جنگ فرهنگی دشمن برخیزند و از آرمان‌های اسلام و انقلاب دفاع کنند. هدف این پژوهش چگونگی به نمایش گذاشتن و ترویج ویژگی‌های پایداری و تحلیل این ویژگی‌ها در اشعار محمدرضا عبدالملکیان است تا دریابیم که ایشان با تصویر کشیدن ویژگی‌هایی همچون نوید فتح و نشان دادن افق پیروزی، تلفیق روح حماسی و اسطوره‌ای با مضامین پایداری، ستایش شهیدان و شهادت عشق به میهن، انعکاس باورهای دینی و مذهبی، دعوت به بیداری و غفلت‌ستیزی، بزرگداشت فرهنگ عاشورا و فرهنگ انتظار به ترویج و پیشبرد نهضت و انقلاب مردمی ایران یاری رسانده است.

روش پژوهش و فرضیه‌ها

روش تحقیق در پژوهش حاضر، توصیفی و تحلیلی است و گردآوری اطلاعات با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای شکل گرفته است. از این رو ابتدا مؤلفه‌های ادبیات پایداری را از منابع مربوطه گردآوری نموده و در مرحله بعد شعرهای محمدرضا عبدالملکیان را بررسی کرده ایم و اشعاری که عناصر پایداری در آن نمود برجسته تری داشته اند مشخص کرده ایم.

پیشینه پژوهش

محمدرضا سنگری (۱۳۸۳) در کتاب خود با عنوان «ادبیات دفاع مقدس» معتقد است: نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس به مجموعه نوشته‌ها و سروده‌هایی گفته می‌شود که درونمایه موضوع آن، به مسائل هشت سال دفاع مقدس و پیامدها و تبعات آن باز می‌گردد. در نگاهی وسیع‌تر می‌توان طیفی گسترده‌تر و جغرافیایی فراخ تر برای این عنوان تصور کرد؛ با تکیه بر ویژگی‌های مقدس بودن که تداعی قلمرو الهی و دینی برای این نوشته‌ها و سروده‌ها می‌کند.

بر این باور است که پایداری یکی از واقعیت‌های مهم «نسترن‌های سوخته» تندرو صالح (۱۳۷۲) نیز در کتاب خود با عنوان زندگی بشری و محصول همدلی میهنی یا قومی در برابر گونه‌ای از تجاوز طبیعت بشری است. بدون شک، نام این رویداد است. بنابراین جنگ ادامه سیاست و عملی خشونت‌آمیز است که هدفش وادار کردن حریف به اجرای «جنگ» عظیم خواسته‌های طرف دیگر

است؛ مفهوم جنگ در عمل، رودرویی سازمان یافته دو یا چند دولت بر سر اهداف از پیش تعیین شده است.

به این نتیجه می‌رسند: بررسی تطبیقی «موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان» عبدالجبار کاکائی (۱۳۸۰) هم در کتاب است که با نگاهی انسانی، مردمان تحت سلطه بیگانه را به مقاومت و ادب پایداری، شاخه دیگر در حوزه ادبیات جنگ پایداری در برابر دشمنان برای آزادسازی سرزمین خویش دعوت و تشویق می‌نماید. مریم شریف نسب (۱۳۹۳) نیز در مقاله احساس ملت غیور ایران در برهه‌ای از تاریخ می‌داند؛ لذا بررسی آن از ابعاد گوناگون جامعه شناختی، ادبی و... حائز اهمیت در شعر برجسته‌ترین شعرای این دوره مورد واکاوی ادبی قرار گرفته است. رضا عیسی نیا (۱۳۸۵) هم در مقلله خود با عنوان «امام و ادبیات پایداری» معتقد است که ادبیات؛ یعنی فرهنگی که در موضع ستیز با عالم و وضع موجود است و ادبیات پایداری؛ یعنی فکر و فرهنگی که به ایجاد وضع عادلانه و دفاع از حق و نفی باطل می‌پردازد و بر این خط فکری مستدام است. بنابراین وقتی که ادبیات زندگی دنیای جدید، ادبیاتی حساب شده، سرد، محافظه کارانه باشد، ادبیات پایداری آن نیز با شاخصه‌های چون؛ پیشی گرفتن کمیّت بر کیفیت، نفی ارزش‌های معنوی و الهی، تجاری و حرفه‌ای، شهوانی، دنیایی و سرگرم کننده شناخته خواهد شد. اما ادبیات پایداری امام خمینی (ره) حامل آرمان‌های ایمانی ملی در سایه ایمان جامعه اوست و آینه تمام قد برای نمایاندن آرزوها و عواطف و پایداری ملتش است.

مبانی پژوهش

ادبیات پایداری به مجموعه‌ای اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و پلیدی‌های و بیدادگری‌ها یا تجاوزگر بیرونی در اصطلاح همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی؛ با زبانی هنری سخن می‌گوید. برخی از این آثار، پیش از رخ نمودن ادبیات (شکری، ۱۳۶۶: ۱۰) علاوه بر آن فاجعه، برخی در میان جنگ یا پس از گذشت زمان، به نگارش تاریخ آن می‌پردازند. پایداری عبارت است از آثاری که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد بیگانگان، نبود آزادی فردی و اجتماعی، قانون گریزی و قانون ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غضب، قدرت، سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و... شکل می‌گیرند. بنابراین جان‌مایه این آثار با بیدادگری‌ها یا تجاوز بیرونی از همه حوزه‌های سیاسی،

فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر (سنگری، ۱۳۸۳: ۳) جریان‌های ضد آزادی است. عاطفی، خودجوش و طبیعی، که به صورت بازتاب درونی، برابر هجوم دشمن متجاوز و برای دفاع از کیان و هستی انقلاب و فروغی جهرمی (۱۳۸۹: ۳۸۱) فرهنگ اسلامی آن، در هیأت شعر بدون توجه به قالب شعر متجلی شده است. در «ادب المقاومة» واژه مقاومت و ادب مقاومت، برگرفته از ادبیات و فرهنگ عرب است و عنوان آیین‌ه‌وند معتقد است. این عنوان نخستین بار در جریان «ادبیات پایداری» دههٔ شصت در ایران کاربرد یافت و معادل فارسی آن (آیین‌ه‌وند، ۱۳۷۱: ۱۱۸) مبارزات ضد استعماری مردم مغرب عربی، خصوصاً الجزایر رایج شد. در کنار دو جریان مرگ و زندگی، یکی از برترین ویژگی‌های هنر انسانی، این است که با توجه به شرایط مکانی و زمانی، دست به خلق اثر می‌زند که باعث بسیج جمعی در برابر سلطه می‌شود. برای به وجود آمدن ادبیات پایداری، می‌بایست زمینه‌ها و عواملی وجود داشته باشند. مهم‌ترین عوامل آن بدین شرح است: ترسیم چهرهٔ مردم مظلوم و ستمدیده؛ دعوت به جهاد؛ بیان بیدادگری‌ها و اعتراض به ضد ارزش‌ها؛ نوید فتح و نشان دادن افق روشن پیروزی؛ ستایش شهادت و شهیدان؛ ستایش آزادی و آزادگی؛ ستایش سرزمین خود (عشق به میهن)؛ تلفیق روح حماسی و اسطوره‌ای با مضامین پایداری؛ القای جنگ تحمیلی پس از پیروزی انقلاب. امید به آینده و پیروزی موعود؛ انعکاس باورهای دینی و بزرگداشت فرهنگ عاشورا اسلامی ایران بزرگترین رویداد و پدیده‌های تاریخ کشور در طول دو دهه گذشته بود که مضامین گوناگونی را در اختیار شاعران قرار داده است. از جمله این موضوعات مربوط به مقاومت است.

شاعران و نویسندگان در حوزه مسئولیت نخستین، آثار ادبی خود را با موضوعاتی چون میهن پرستی، آزادی خواهی، حق طلبی و دینداری ارائه نموده‌اند. در حوزه مسئولیت دوم، آثار ادبی آنها مشمول است از موضوعاتی چون دعوت به مقاومت، توصیف حماسه‌ها و ستایش رزمندگان، تهدید به انتقام از دشمن و رجزخوانی. در حوزه مسئولیت سوم آثار ادبی شاعران (کاکایی، ۱۳۸۰: ۵۱) مقاومت آراسته است به، موضوعاتی چون سوگ‌نامه شهیدان، توصیف ویرانی و کشتار و سبعت دشمن تشویق به دفاع از سرزمین اسلامی، استفاده از فرهنگ تشیع و نمادهای دینی مانند: عاشورا؛ هم چنین مضامینی از جمله کربلا، شهید، امام حسین (ع)، امام علی (ع)، تقویت روحیه قهرمانی، لحن آهنگ تند و کوبنده، تصویرپردازی از مقاومت شهرها، تکریم از سربازان و مدافعان و... استفاده

نموده‌اند. نظر به اینکه جنگ اصولاً مقوله‌ای است حماسی (حسینی، ۱۳۶۰: ۸۰)؛ لحن این گونه اشعار نیز حماسی است و هدف نهایی اشعار پیروزی بر جهان و دشمن است. کلیه آثاری که در حال و هوای جنگ و با موضوع جنگ پدید می‌آیند ادبیات جنگ نامیده می‌شوند. این ادبیات در ضمن محمدی ممکن است مستقیماً به توصیف صحنه‌های نبرد بپردازد و به طور مستقیم مسائل مربوط به جنگ را در برگیرد. اگر ادبیات جنگ را یک مفهوم کلی، شامل تمام مکتوبات مربوط به جنگ بدانیم و نگاه ما (روزبهرانی، ۱۳۸۹: ۸۹) علاوه بر آن معطوف به جغرافیایی خاصی نباشد، جنگ ایران و عراق، چه جنگ جهانی دوم، چه جنگ مردم فلسطین یا صهیونیست‌ها، در این صورت، جهت‌گیری خاص اعتقادی و ارزشی نیز ضرورتی پیدا نمی‌کند و ادبیات جنگ به نوعی شامل ادبیات ضد جنگ نیز ادبیات پایداری را در (کوثری، ۱۳۸۸: ۱۱۵) می‌شود مقصود از ادبیات ضد جنگ، ادبیاتی است در ستایش صلح و آرامش عصر انقلاب اسلامی به چند دوره می‌توان تقسیم کرد: ادبیات پایداری در عصر قیام و حرکت تا پیروزی بهمن ۵۳؛ ادبیات پایداری در دوره هشت سال دفاع مقدس؛ ادبیات پایداری پس از جنگ هشت ساله.

متن مقاله

پایداری یکی از واقعیت‌های مهم زندگی بشری و محصول همدلی میهنی یا قومی در برابر گونه‌ای از تجاوز طبیعت بشری جنگ ادامه سیاست و عملی خشونت آمیز است که هدفش وارد کردن «جنگ» است. بدون شک، نام این رویداد عظیم حریف به اجرای خواسته‌های طرف دیگر است؛ بنابراین، مفهوم جنگ در عمل، رودرویی سازمان یافته دو یا چند دولت بر سر از دیرباز، دغدغه دستیابی به زندگی معنادار، یکی از اهداف از پیش تعیین شده است. اساسی‌ترین نگرانی‌های آدمی بوده است و در هر مقطعی که توانسته پاسخی برای آن بیابد زندگی پویا داشته و آنگاه که از درک این مهم ناتوان گشته رو به پوچی و بی معنایی نهاده است. انسان موجودی هدفمند است و زندگی‌اش در صورتی معنا می‌یابد که هدف واقعی‌اش را بشناسد و به دنبال آن برود. گاهی ممکن است هدف زندگی با معنای زندگی در یک مسیر قرار بگیرند؛ اما در واقع هدف زندگی غیر از معنای زندگی است. حال اگر کسی هدف زندگی خود را تشخیص داده باشد، برای رسیدن به آن باید از موانعی عبور کند تا به هدفش دست یابد. بررسی این امر نشان می‌دهد که تضاد و تناقض در زندگی

که تبع دخالت غیر با نیروهای مخالف به وجود می‌آید، باعث ایجاد واکنش از سوی افراد و منجر به نبرد یا جنگ می‌شود.

شعر انقلاب و بیداری اسلامی نیز آینه‌ای است که دغدغه‌ها، تحولات و رویکردهای شاعران انقلابی را که متأثر از اندیشه و نهضت اسلامی امام خمینی (ره) است در خود بازتاب داده است. همین نهضت است که منجر به خلق مفاهیم و تصاویر اشعار انقلابی و دینی به طور فراگیر و عالم گیر می‌شود. انقلاب و بیداری اسلامی، همچون رخدادهای مهم و فراگیر دیگر در فرهنگ، سیاست، اقتصاد، علم آموزی، زندگی اجتماعی و... است. به طوری که فرهنگ تازه‌ای از انقلاب و بیداری اسلامی در شکل‌های مختلف آن با تصاویر مختلف ادبی و شعری متجلی شد و مسائلی را مطرح کرد که هم صدا و همراه با نیازها و خواسته‌های را به وجود آورد که با موج عظیمی وارد ادبیات شد و «فرهنگ اسلامی» مردم با نگرش به اندیشه رهبری آگاه بود. این نگرش شاعران چیره دست، خوش قلم و درد آشنا توانستند در این عرصه حساس به خوبی بدرخشند و بعدها تأثیر آن را برای مناطقی که آماده این تحول اسلامی بودند در آثار منظوم خود بسرایند.

شاعران و نویسندگان ادبیات پایداری، تحت تأثیر درد مشترک، تلاش می‌کنند تا مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری را در آثار خود منعکس کنند و به این طریق مردم را در راه مبارزه با اهداف عالی زندگی خود تشویق کنند. شاعران پایداری کشور اسلامی ایران، ضمن همدردی با سایر مردم ستم دیده جهان، به مهم‌ترین مؤلفه پایداری با تکیه بر مبانی اسلامی اعتقادی می‌پردازند و مردم را نسبت به استکبار جهانی بیدار کرده و به جهاد در راه خدا، ترویج فرهنگ ایثار و روحیه شهادت طلبی، تشویق و تحریک می‌کنند. شاعران انقلاب اسلامی، به تأثیر از جنگ تحمیلی و تحت فرمان‌های اسلامی و منش ایرانی، به مضامین پایداری روی آورده‌اند. سعی کردند با یادکرد شهدای عاشورا حفظ فرهنگ عاشورا، یاد و خاطره شهدای دفاع مقدس را زنده نگه دارند و به نوعی به مقابله با جنگ فرهنگی دشمن برخیزند و از آرمان‌های اسلام و انقلاب دفاع کنند. شعر انقلابی در جریان این تغییر بزرگ که مسیر داخلی و خارجی یک کشور را تغییر داد نقش شایسته‌ای را رقم زدند. شاعران پیام خویشتن شناسی و بازگشتن به فرهنگ اسلامی ایرانی را در سروده‌ها بازتاب دادند. انقلاب اسلامی با پیشوایی رهبری آگاه همه قشرهای جامعه را با محوری دینی متحد کرد و با زنده

نگه داشتن نهضت حسینی و شعار شعور شهادت، غفلت ستیز و حماسه عرفانی، فرهنگی پدیدار کرد که خواص و عوام با دل و جان پذیرای آن شدند و بر سر تحقق یافتن آن جان سپردند.

نوید فتح و نشان دادن افق روشن پیروزی

شعر پایداری، شعر ناامیدی نیست، بلکه شعر برانگیزنده است و افق‌های روشن پیروزی و امید به آینده را برای مردم نشان می‌دهد. بزرگترین خطری که هر جامعه را تهدید می‌کند و سقوط و انحطاط آن را قطعی می‌سازد، یأس و ناامیدی از رسیدن به کمال و سعادت و پیروزی است. اگر این بیماری خطرناک به ذهن و اندیشه جامعه سرایت کند می‌تواند به راحتی آن جامعه را به نابودی و قهقرا بکشاند. محمدرضا عبدالملکیان شاعر امید و آزادگی است. وی با بیان احساسات عمیق، مبارزان و مردم سرزمین خود را با القای روحیه امید در وجودشان، آنان را از سستی باز می‌دارد و به پایداری دعوت می‌کند و گواه بر این مطلب است: رسیدن به پیروزی را به آنان مژده می‌دهد.

تلفیق روح حماسی و اسطوره ای با مضامین پایداری

زمانی که مرزهای ایران از طرف عراق که کشوری مسلمان بود مورد تجاوز قرار گرفت، رزمندگان ایران در راستای حفظ هویت ملی حماسه آفریدند و شاعران توانمند این دوره، با رویکرد به اساطیر و فرهنگ گذشته ایران، این دلاوری‌ها را در اشعار خود منعکس کردند؛ زیرا در این دوره فضا برای سرودن اشعار حماسی بسیار مناسب بود. عناصر اساطیری پهلوانان باستانی ایران در شعر شاعران آگاه این دوره دارای بسامد بالایی است. این شاعران با اشعار خود دلاور مردان جبهه را برای دفاع از میهن خود تهییج و ترغیب می‌کردند. گرچه زبان و بیان مجموعه اشعار این شاعران از پاره‌ای جهات با شاهنامه متفاوت است. ولی دارای غنای معنایی و تفکر حماسی است و بیشتر مفاهیم حماسی، عدالت خواهی، ظلم ستیزی، تهییج برای مقابله با این منظور از تفکر حماسی میل و علاقه به ایثار، دلاوری و شجاعت در راه ملت و میهن است تجاوز و تعدی در آنها بازتاب دارد.

چیزی که ذهن و فکر را در شرایط خاص اجتماعی به خود مشغول می‌کند. با توجه به موضوعات مربوط به جنگ، مانند شهادت، مبارزه علیه تجاوزگر به میهن و... در اشعار دوره جنگ تحمیلی فضایی حماسی بر این گونه اشعار حاکم است. به عبارت دیگر آنها اشعار بلند روایی

مخصوص یک شاعر به‌عنوان حماسه نیستند؛ بلکه به صورت پراکنده از شعرای با نام و بی نام در مجموعه اشعار آن دوره به چاپ رسیده‌اند؛ اما با توجه به فضای حاکم بر آنها کاملاً حماسی بوده و تفکر حماسی بر آنها حاکم است. نکته دیگر این که قهرمانان یا به عبارتی پهلوانان جنگ تحمیلی همه ملموس و عینی است. این اشعار حماسه‌های واقع‌گرایی هستند که سرایندگان آنها در پی تعهد و رسالتی که بر دوش دارند صحنه‌های واقعی جبهه‌های نبرد را به تصویر کشیده‌اند. از آن گذشته زبان و نمادها همه نو هستند. در این اشعار عرفان و اعتقاد دینی با تفکر حماسی درهم آمیخته است.

تفکر حماسی در تمام رخدادهای شعر جنگ به چشم می‌خورد و قهرمانان نبرد نیز با همین انگیزه به نبرد با دشمن پرداخته‌اند. نکته دیگر این که شهادت از جلوه‌های تفکر حماسی است. این تفکر با تمام مفهوم خود در دفاع از هویت، کیستی و کجایی در طول تاریخ تکرار شده و خواهد شد و قهرمانان جبهه‌های نبرد در اشعار حماسی جاودانه خواهند ماند. عبدالملکیان مفهوم حماسی را با بیانی حماسی و کوبنده در شعر زیر به روشنی به نمایش گذاشته است:

زمین تن می‌لرزاند/ که بر فرازی و استواری گام‌هایت را/ تابِ توانش نیست/ زمین کوچک نیست/ تو بزرگی،/ جانبدار همیشه عشق و آیین/ شمشیر ایمانت/ جهان نامردمی را به دو نیم کرده است/ و ذوالفقاری دو دم/ در حماسه پنجه‌هایت می‌چرخد/ بی هراس و بی محلبا/ رو در روی/ تبهکاران و تبرداران/ زنجیریانِ جهان را/ عطر و ارغوان به ارمغان آورده‌ای. (عبدالملکیان، ۱۳۸۲: ۳۵)

عبدالملکیان، شاعر دوره جنگ تحمیلی نیز اسطوره‌های گذشته ایران که نمایان‌گر هویت وی هستند و در ناخودآگاه او حضوری مبهم و در شاهنامه فردوسی حضوری آشکار دارند، کمک می‌گیرد و با هنجارشکنی‌های ویژه خود تصویرسازی می‌کنند. از اینرو، پاره‌ای از مفاهیم برگرفته از عناصر فرهنگ گذشته ایران به‌عنوان باستان‌گرایی در راستای هویت ملی، در شعر دوره جنگ و مقاومت نمود دارد: همین گونه خوب است/ همین گونه یعنی سرافرازی عشق/ همین گونه یعنی عبور سیایش از آتش/ همین گونه یعنی گره خوردن بیستون/ با نفس‌های شیرین/ همین گونه یعنی که یعقوب و یوسف/ همین جاست/ همین گونه یعنی بهاری که در باور. (عبدالملکیان، ۱۳۸۸:

ستایش شهادت و شهیدان

یکی از برجسته‌ترین درون مایه‌های شعر جنگ، شهادت و ستایش شهیدان است. شاعران با استشمام بوی باروت و دود ناشی از بمباران‌ها واقعیت جنگ را در عمل آزمودند و مضمون‌ها و تصویرهای بکری از واقعیت‌های خشن زندگی به آنها الهام شد. مفاخره به مقام شهید و ستایش شهادت، استقامت و پایداری خانواده‌های شهدا بخشی از موضوع شعر جنگ را تشکیل می‌دهد. توصیف اوج ایثارگری شهیدان به سبب بذل شیرین‌ترین سرمایه وجود یعنی جان برای وصول به جاودانگی، توصیف از مقام شهید و بیان احساس حسرت و حرمان در برابر شهیدان و دلتنگی از فقدان آنها به نوعی تجدید بیعت با آنان و اگر بپذیریم که فرهنگ، آن چیزی است که زندگی و ارزش‌های انسانی را به وجود می‌آورد و با پاسداری از خون ایشان است. لحاظ کردن دیدگاه مکتبی و اعتقادی آن را مجموعه نظام ارزشی اسلام در همه جولنب فردی و جمعی که کلیه روابط اعتقادی و عملی در ابعاد سیاسی، اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، علمی، فلسفی و مراحل سلوک باطنی را دربر می‌گیرد. آن گاه بهتر می‌توان به اهمیت و ارزش شهادت به عنوان یک فرهنگ تأثیرگذار و اصیل و نقشی که در اصلاح امور جامعه دارد پی برد. (زارعی، ۱۳۶۸: ۲۵)

یکی از وظایف اصلی ادبیات مقاومت، توصیف و ستایش مبارزان راه آزادی و جان باختگانی است که تمام هستی خویش را به میدان نبرد آورده‌اند و در شکنجه گاه و میدان مبارزه جان باختند و نماد عظمت و افتخار و الگوی فداکاری هستند. محمدرضا عبدالملکیان، از زبان مادران شهید، این شیرزانی که گاه پیکر فرزندان قهرمان خود را به دست حاصل آن به مرثیه‌ای سوزناک حماسه چهارده ساله خویش به خاک می‌سپردند، با شهیدان به نجوا نشسته‌اند در شعر بدل شده است:

تمام چهارده سالگی‌اش را در کفن پیچیدم/ با همان شور شیرین گونه/ که کودکی‌اش را در قنداق می‌پیچیدم/ حماسهٔ چهارده ساله من/ با پای شوق خویش رفته بود و اینک/ با شانه‌های شهر/ برایم بازش آورده بودند/ بر زخم بسیار پیکرش/ عطر آسمانی شهادت موج می‌خورد/ و لبان در خون نشسته‌اش/ مرا تا موج موج خنده‌های زلال کودکی‌اش می‌کشاند/ مظلوم کوچک من/ کودکی‌اش را بر اسبی چوبین می‌نشست/ و با شمشیری چوبین/ در گسترهٔ رؤیاهایش/ به ستیز با

ظلم بر می‌خاست/ و من به روشنی می‌دیدم/ طرح دیگری، از حماسه چهارده ساله سمت سحرگاه آسمان/ قد برمی‌کشد. (عبدالملکیان، ۱۳۸۲: ۲)

مقوله شهادت به پشتوانه اسلام و اعتقاد به معاد در انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی اخیر منطقه، جزو باور و یقین مردم یکی از ویژگی‌های انقلابی است و شهید راه و نهضت را با خون خود تأیید و تعیین می‌کند تا پایمال زمان و تاریخ نشود انکارناپذیر انقلاب اسلامی که ریشه در مکتب‌های بخش اسلام دارد ایثار و شهادت است که همواره انگیزه جهاد بوده و شهدا و شهادت. (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۸۹) با آرمان‌های اسلامی‌شان مشخص‌کننده راه و خصلت انقلاب و عالم پیروزی آن بوده‌اند بهترین حالت مرگ مسلمان است و این مرگ موهبتی الهی برای شهید است که با ترک تعلقات و داشتن اعتقاد دینی و باور خون شهید و شهادت را درسی برای نسل‌های بعد به پسرمر دروغ نگویید به معاد قسمت او می‌شود.

به پسرمر دروغ نگویید که من سفر رفته‌ام/ نگویید من از سفر بازخواهم گشت/ زیباترین هدیه را/ برایش به ارمغان خواهم آورد/ به پسرمر واقعیت را بگوئید/ بگوئید به خاطر آزادی تو/ هزار خمپاره استعمار/ سینه پدرت را نشانه رفته‌اند. (عبدالملکیان، ۱۳۸۸: ۳۶۹)

انعکاس باورهای دینی و مذهبی و بزرگداشت فرهنگ عاشورا

در باور دینی ما بین جنگ و دفاع فرق است و دفاع در برابر متجاوز فریضه است و مدافع حتی اگر در میدان جنگ نباشد و به هنگام دفاع کشته شود مقام شهید را داراست تا چه رسد به کشته شدن در راه دفاع از وطن و حفظ ارزش‌های دینی یا جایگاه ایثار در اندیشه دینی ما و گذشتن از زن و فرزند و حتی همه هستی در راه خدا مقامی والا دارد که یادآور جمله ارزشمند امام حسین (ع) در روز عاشورا است: "هیئات منالذله" جنگ تحمیلی باورهای دینی را پررنگ‌تر می‌کند. بی آن که باورهای ملی را بی ارزش کند. در واقع باید گفت بازتاب فضیلت‌ها و روش زندگانی اولیا و خاندان عترت و طهارت زمینه ساز الهی و معنوی در انقلاب و بیداری اسلامی است که در اشعار شاعران به شایستگی مورد توجه قرار گرفته شعر ولایی به لحاظ موضوعی اختصاص به خاندان عترت و طهارت

دارد و سخنان، سیره اخلاقی و فضایل وجودی آنان است. (محدثی خراسانی، ۱۳۸۹: ۸۴) این نوع موضوعات می‌تواند پیرامون اخلاق و زندگی در شعر ولایی بازتاب در خور پیدا می‌کند.

شاعران با تلمیح به حماسه خونین عاشورا مردم را به پاسداشت از فرهنگ جهاد و شهادت دعوت می‌کنند. گرامیداشت و ستایش مقام قهرمان کربلا از مهم‌ترین مضمون‌های شعر جنگ است. شاعران انقلاب بیش از هر موضوع دیگری به تصویر کردن حادثه خونین عاشورا و ابعاد گوناگون این ماجرای شگفت‌انگیز تاریخ اسلام پرداخته‌اند و در قالب‌های مختلف، اعم از همه مراحل سرود رویش گل کلاسیک و نو، در احیای فرهنگ عاشورا کوشیده‌اند. محمدرضا عبدالملکیان در شعر شکلگیری حماسه حسینی از حرکت امام حسین (ع) به سوی کربلا تا بازگشت اسبان بی‌سوار به خیمه‌ها و اسارت حرم حسینی به تصویر کشیده است: عطش بود و آتش/ و آیینی می‌سوخت در تشنه کامی/ و می‌سوخت بال کبوتر/ و بیداد می‌کرد زنجیر در پای فریاد/ و من تشنه بودم/ عطش بود و آتش/ به لب تاول بادهای کویری/ و چشم پرستو که می‌سوخت/ در شعله‌شن/ و دست دروگر/ که با دست نامردمی‌ها درو شد/ و من تشنه بودم/ عطش بود و آتش/ و بر شانه سبزه سنگینی مرگ/ و زخم ملخ بر گلوگاه.

عشق به میهن

وطن پرستی یکی از مضامین مهم است که با صبغه‌ای دینی و انقلابی در شعر جنگ به آن پرداخته شده است. وطن نزد عوام و در ادبیات قدیم به معنی محل تولد و سکونت بوده است. محیطی که انسان از لحاظ عواطف قومی و روحی بدان علاقه مند است یا در آن متولد شده است. در بررسی مجموعه اشعار نشو و نما کرده است و در غیبت نیز در هوای آن است محمدرضا عبدالملکیان می‌بینیم وطن در شعر این شاعر در سه مفهوم کلی بازتاب یافته است:

وطن در مفهوم ملی: در این دیدگاه وطن یا کلمه‌های مترادف آن، به مفهوم کشوری است با مرزهای جغرافیایی مشخص که بر روی نقشه‌های جهان با پرچم و مساحت مشخص، معلوم شده است:

به پسر و واقعت را بگویند/ بگویند خون پدرت/ بر تمام مرزهای غرب و جنوب کشورش/ پریشان شده است/ بگذارید کلاس درس پسر و دیوار تمام کوچه‌ها و خیابان‌ها باشد/ که بی شمار شهیدان کشور و خون / راز بزرگ هستی را/ بر آن نوشته‌اند.

وطن در مفهوم اقلیمی: گاه وطنی که عبدالملکیان از آن یاد می‌کند نه وطن ملی بلکه بخشی از آن است، این بخش عموماً زادگاه شاعر است که با بزرگداشت، احترام و گاه با نگاهی حسرت بار از آن یاد می‌کند. این یادکرد گاهی یادکرد مردمان به خوبی «ایلیاتی» آن شهر یا منطقه یا روستا است و گاه یادکرد ویژگی‌های طبیعی یا فرهنگ آن خطه، که شاعر در شعر تصویر کشیده است:

وطن آرمانی و اعتقادی: در این دیدگاه وطن نه در معنای ملی و اقلیمی آن، بلکه در معنای اعتقادی به کار می‌رود. به این معنا که همهٔ مسلمانان به واسطه اعتقادات یکسان، اهل یک سرزمین هستند و آن سرزمین همانا اسلامستان است. ترکیب امت واحده که در سده اخیر امام خمینی (ره) بر آن تأکید داشتند یا تأکید بر وحدت کلمه که از توصیه‌های همیشگی عبدالملکیان به صورت زیر نمود شیپور بزرگ شیطان ایشان بوده، در همین راستاست. اعتقاد به وطن اسلامی در شعر یافته است:

شیطان حنجره کوچک ما را خوش نمی‌دارد/ چرا که فریب هزاران مرز دروغش را/ در هم شکسته‌ایم/ و مرزی دیگرگونه را پی افکندیم/ مرزی از جنوب ایران/ تا جنوب لبنان/ و تا جنوب سرزمین تمام مظلومان جهان/ مرزی میان خدا و شیطان بیداری ماست.

بیان بیدادگری‌ها و اعتراض به شکسته شدن حرمت انسان

زمینه عاطفی شعر عصر انقلاب از نوع عواطف اجتماعی است که تحریک به مبارزه و شور و قیام در جان مخاطبان افکندن، سرلوحه برخورد عاطفی شاعر با محیط پیرامونش است. فضاهای تصویری موجود در شعر این دوره کاملاً متأثر از فضاهای اجتماعی و شور و حال انقلابی موجود در فضای جامعه است. هر چه زمان می‌گذرد توجه شاعر انقلاب بیشتر معطوف به مضامین انسانی اجتماعی می‌شود و برای او دغدغه‌های نوع انسان مهم است نه فقط مسایل سیاسی و اجتماعی. در حقیقت آنچه به شعر انقلاب عظمت و مهابت می‌بخشد همین خصلت اجتماعی فرهنگی جهان

شمول آن است. زبان ساده و اجتماعی شاعر انقلاب این امکان را به او می‌دهد که بتواند با همه اقشار جامعه ارتباط برقرار کند و این امتیاز بزرگی است. عبدالملکیان در شعر زیر تصویر زندگی در محرومیت و خفقان را در لفافه شعر و عاطفه و هشدار برای مردم به تصویر می‌کشد:

زالال و لال/ در میانهٔ سنگ و ذغال/ ونه گات/ تو باز هم رفته‌ای و برگشته‌ای/ از جان و/ از جنگ‌های جزاله شده/ مبهوت و مات/ ونه گات/ خبر در همه جای جهان پنهان است/ سلاح خانه‌ها شماره گذاری شده است/ تو در آنجا و/ من در اینجا/ ما کاردستی بمب‌ها شده‌ایم/ ذغالی بر سقف/ کلوچه‌ای بر کف/ و پنجه‌ای/ با پنج انگشت متلاشی/ ونه گات/ تو گریزان از مرز.

دعوت به بیداری و غفلت ستیزی

در نهضت بیداری اسلامی، آگاهی و اطلاع بر مسائل و مطالب ضروری است. وظیفه هر فرد انقلابی است که حیل‌های استکبار را بشناسد و خود و دیگران را از غفلت بیدار کند. شاعران در این خصوص همیشه از غفلت ستیزی مردم شعر بیداری اسلامی شامل خویشتن شناسی، بیگانه شناسی، پیدا کردن شخصیت، فرهنگ شناسی و... دعوت سروده‌اند. به بیداری دارای پیامدهای آزادی، استقلال و برابری است که مردم را علیه بیداد و استبداد هم دست و هم فکر می‌کند. از ره آوردهای انقلاب، بیداری ملت‌های مسلمان و گسترش مبارزات جمعی آنان در برابر حکام داخلی و استکبار جهانی و همدلی (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۲۱) و هم‌فکری جمعی نسبت به مسائل عمومی اسلام و مسلمین جهان است بیداری مردم و شناخت ارزش‌های انسانی که نتیجه و برکت انقلاب است، می‌سراید:

سی سال است که ارباب خون من و زنم را/ قطره قطره می‌نوشد/ و سی سال است که من و زنم/ تشنه خون ارباب هستیم/ کدام ترازو عدالت را تقسیم می‌کند؟/ و کدام محکمه قاضی حقیقت است؟/ زان پیشتر که خون بر گلوگاه گندم بنشیند/ انقلابی که چشمان من و زنم را گشود/ به ما آموخت/ که هیچ انسانی گاو نیست/ که من و زنم گاو نیستیم/ و می‌توانیم فردا/ با حاصل تمامی رنجمان/ دو گاو داشته باشیم/ و دیگر ارباب نداشته باشیم.

نتیجه‌گیری

ادبیات پایداری به ادبیاتی گفته می‌شود که تحت تأثیر شرایط و اوضاعی مانند: نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، اختناق و استبداد بیگانگان، غصب سرمایه‌های اجتماعی و فردی توسط بیگانگان و... شکل می‌گیرد. این شرایط در تمامی حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... به وجود می‌آید. در این بین، نویسندگان و شاعران، به عنوان سخنگوی مردم مظلوم، اقدام به سرودن و نوشتن از ظلم و ستم اجانب به مردم می‌کنند. شعر عبدالملکیان با توجه به مبانی دفاع در برابر تجاوز، گاهی در بازسازی همدلی میهنی یا قومی در برابر گونه‌هایی از تجاوز طبیعت بشری سروده می‌شود. او در سراسر حیات شعری خود در این سرزمین، اغلب دگرگونی‌هایی را که در جریان تحولات اجتماعی به وقوع پیوسته است با دقت و حساسیت مد نظر داشته و آرمان‌های انسان دوستانه را که پیرامون اسلام در ایران شکل گرفته بازتاب می‌دهد. شعر پایداری او برای آزادی اجتماعی و عدالت طلبی و دفاع مشروع، بیش از همه از فرهنگ عاشورا استفاده می‌کند؛ به طوری که از فرهنگ عاشورا به عنوان تجربه تاریخی مسلمانان و یکی از سرچشمه‌های آزادی و عدالت طلبی ایران بهره می‌گیرد.

در این مقاله، بازتاب شاخص‌های برجسته انقلاب و پایداری همچون نوید فتح و نشان دادن افق روشن پیروزی، طاغوت ستیزی و ضد استعماری بودن، دعوت به بیداری، غفلت ستیزی، پیوند حماسه و عرفان ملی با مضامین پایداری، توجه ویژه به فرهنگ عاشورا، فرهنگ انتظار، عشق به میهن، هشدار و اعتراض گاه یأس آلود و... در اشعار محمدرضا عبدالملکیان مورد بررسی قرار گرفت. با مروری بر اشعار عبدالملکیان می‌توان گفت شعر او که برخاسته از حرکت‌ها و قیام‌های مردمی و بیانگر شور و حال انقلابی حاکم بر جامعه آن روز بود و بهترین گواه و شاهد بر تحول فرهنگی عظیمی است که بعد از انقلاب در فضای فکری، فرهنگی و ادبی جامعه حکمفرما شد. شعرای عصر انقلاب از جمله عبدالملکیان را می‌توان به عنوان نمایندگانی از جامعه ادبی ایران دانست که دلاورمردی‌ها، شجاعت‌ها، ایثارها و تمام خصایص یک انقلاب عظیم و الهی را در صحیفه شعر و ادب فارسی به ثبت رساندند. شعر عصر انقلاب نه تنها در دوره خودش خوش درخشید؛ بلکه امروز نیز به عنوان شعری ناب و بی شائبه همراه با مضامین عالی اخلاقی، حماسی و اجتماعی می‌تواند الگویی مناسب برای شعرای عصر حاضر باشد.

منابع

۱. آقابخشی، علی اکبر و مینو اقشاری راد، (۱۳۶۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
۲. آیینہ وند، صادق (۱۳۷۱)، پژوهش‌هایی در تاریخ و ادب، تهران: اطلاعات.
۳. ادیبی سده، مهدی (۱۳۷۲)، جامعه شناسی جنگ و نیروهای نظامی، تهران: سمت.
۴. اصیل، حجت الله (۱۳۸۴)، آرمان شهر در اندیشه ایرانی، تهران: نی.
۵. تندرو صالح، شاهرخ (۱۳۶۹)، نسترن‌های سوخته، تهران: برگ.
۶. سنگری، محمد رضا (۱۳۸۳)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، ج ۱ و ۳، تهران: پالیزان.
۷. شریفی نسب، مریم (۱۳۹۳)، «بازتاب مفهوم وطن در شعر دفاع مقدس»، نشریه ادبیات پایداری، ش ۱۱، ص ۸۱-۱۲۱.
۸. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران: طوبی.
۹. عیسی نیا، رضا (۱۳۸۵)، «امام و ادبیات پایداری»، پژوهشنامه متین، ش ۳۰، ص ۱۱۳-۱۱۸.
۱۰. فروغی جهرمی، محمد قاسم (۱۳۹۲)، بررسی ادبیات دفاع مقدس، ج ۱، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۱. کاکایی، عبدالجبار (۱۳۷۷)، بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، تهران: پالیزان.
۱۲. محدثی خراسانی، زهرا (۱۳۸۹)، شعر آیینی و تأثیرات انقلاب اسلامی بر آن، تهران: دفتر ادبیات و هنر مقاومت.